

رابطه احساس پیوستگی و توانمندی ایگو با اضطراب مرگ سالمندان

The relationship between sense of coherence and ego strength with death anxiety in elderly

Nasrin Khedmati

Master of Arts, Department of Educational Psychology, Islamic Azad University, Islamshahr Branch, Tehran, Iran.

khedmatinasrin1398@gmail.com

نسرین خدمتی

کارشناس ارشد، گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر تهران، ایران.

Abstract

Elderly people are getting more evidence of death from physical changes, higher rates of illness and disability, and the loss of relatives and friends. Experiencing some anxiety about death is normal, but, like other fears, it weakens adaptability if it is too severe. The purpose of this study was to investigate the relationship between sense of coherence and ego strength with death anxiety in the elderly. The research method is descriptive-correlational. The statistical population of this study includes all non-resident older people over 60 years old in Tehran. Among them, a sample of 200 people was selected by purposeful sampling. Data were collected using the Death Anxiety Questionnaire Templer (1970), Ego strength Questionnaire Markstrom et al. (1997), and sense of coherence Questionnaire Antonovsky (1987). Finally, after data collection, the data were analyzed using the Pearson correlation coefficient and multiple regression analysis with the Enter method. The results showed a significant negative relationship between ego strength and death anxiety in the elderly ($r = -0.22, P < 0.01$). There was also a significant negative relationship between sense of coherence and death anxiety in the elderly ($r = -0.18, P < 0.01$). Ego strength with a beta coefficient of -0.19 and a sense of coherence with a beta coefficient of -0.15 negatively and significantly predict death anxiety. Finally, it can be concluded that ego strength and sense of coherence are among the variables related to death anxiety in the elderly and can predict it.

Keywords: sense of coherence, ego strength, death anxiety, elderly

چکیده

سالمندان از تغییرات جسمانی، میزان بالاتر بیماری، معلولیت و از دست دادن خویشاوندان و دوستان شواهد بیشتری برای مرگ به دست می‌آورند. تجربه کردن مقداری اضطراب درباره مرگ طبیعی است؛ اما، مانند سایر ترس‌ها چنانچه خیلی شدید باشد سازگاری و کارآمدی را تضعیف می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه احساس پیوستگی و توانمندی ایگو با اضطراب مرگ سالمندان انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه سالمندان غیر ساکن خانه سالمندان دارای سن بالای ۶۰ سال در شهر تهران بود. از میان آن‌ها نمونه‌ای به حجم ۲۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه اضطراب مرگ تمپلر (۱۹۷۰)، پرسشنامه توانمندی ایگو ماکستروم و همکاران (۱۹۹۷) و پرسشنامه احساس پیوستگی آنتونوسکی (۱۹۸۷) استفاده شد. در نهایت بعد از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌های حاصل با روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری به روش همزمان تحلیل شد. نتایج نشان داد، بین توانمندی ایگو و اضطراب مرگ سالمندان رابطه منفی معنی‌داری وجود داشت ($r = -0.22, P < 0.01$). همچنین بین احساس پیوستگی و اضطراب مرگ سالمندان رابطه منفی معنی‌داری وجود داشت ($r = -0.18, P < 0.01$). توانمندی ایگو و احساس پیوستگی به‌طور منفی و معناداری اضطراب مرگ را پیش‌بینی نمودند. در نهایت با توجه به نتایج مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که احساس پیوستگی و توانمندی ایگو در زمره متغیرهای مرتبط با اضطراب مرگ سالمندان بوده و توانایی پیش‌بینی آن را دارند.

واژه‌های کلیدی: احساس پیوستگی، توانمندی ایگو، اضطراب مرگ، سالمندان

ویرایش نهایی: خرداد ۹۹

پذیرش: اسفند ۹۸

دریافت: دی ۹۸

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

سالمندی از مراحل حساس در تحول روانی انسان است که تغییرات جسمانی، شناختی و اجتماعی خاصی را به همراه دارد (ژانگ، چن و ما، ۲۰۱۸). سالمندی دوران پختگی، ورزیدگی، زمان احساس بی‌نیازی، فرصت سیر به سوی کمال و رسیدگی به خویشتن و

The relationship between sense of coherence and ego strength with death anxiety in elderly

مرحله‌ای مؤثر و گران قدر در زندگی است (اینته، وگل، فانون و لانگ، ۲۰۱۷). روند پیر شدن مجموعه تغییرات قطعی به همراه خود می‌آورد که فراتر از مسئله زمان و عمر است و شامل حوادثی مانند اینکه فرزندان خانه را ترک می‌کنند، مرگ همسر، معلولیت، به‌ویژه بازنشستگی، کم شدن روابط اجتماعی و سازگار شدن با زندگی جدید است. جمعیت شناسان آغاز دوران سالمندی را از ۶۰ یا ۶۵ سالگی می‌دانند (صدری دمیرچی، قمی، اسماعیلی قاضی ولویی، ۱۳۹۶). سالمندان از تغییرات جسمانی، میزان بالاتر بیماری و معلولیت و از دست دادن خویشاوندان و دوستان شواهد بیشتری برای مرگ به دست می‌آورند. تجربه کردن مقداری اضطراب درباره مرگ، طبیعی است؛ اما، مانند سایر ترس‌ها چنانچه خیلی شدید باشد سازگاری و کارآمدی را تضعیف می‌کند (شهبازی، گلزاری و برجعلی، ۱۳۹۴). برخی مرگ را مرحله‌ای از زندگی می‌دانند و برخی دیگر آن را پایان زندگی می‌دانند. به نظر می‌رسد کسانی که به دیدگاه اول معتقدند، کمتر باید از این مسئله نگران باشند، اما واقعیت این است که عموماً پیروان هر دو دیدگاه از فکر کردن به مرگ دچار اضطراب می‌شوند، اما در کل ترس از مرگ، در دوران میان‌سالی و اواخر زندگی، برجسته‌تر می‌شود (چانگ، چو، کاراگولیس، وانگ، تسای و همکاران، ۲۰۱۷). اضطراب مرگ به معنی ترس مداوم، غیرطبیعی و مرضی از مرگ یا مردن است. طبق تعریف سازمان خدمات بهداشت ملی بریتانیا اضطراب مرگ عبارت است از: نوعی احساس وحشت، هراس یا نگرانی زیاد هنگام فکر کردن در مورد فرآیند مردن یا قطع ارتباط خود با دنیا و یا آنچه بعد از مرگ رخ می‌دهد (ونز، ۲۰۱۷). مطالعات تجربی نشان داده ترس از مرگ، در دوران میان‌سالی و اواخر زندگی برجسته‌تر است (روگر، میشل، سو، گایل و جاسپین، ۲۰۱۶). چنین احساساتی می‌تواند به درماندگی، تغییرات جسمانی، از دست دادن کنترل، احساس تنهایی و احساس گناه منجر شود و کارکردهای زندگی عادی فرد را تحت تأثیر منفی قرار دهد؛ بنابراین بسیار ضروری است که عوامل مؤثر بر کاهش اضطراب مرگ شناسایی شود و از این طریق، به بهبود کیفیت زندگی سالمندان توجه شود (مجیدی و مرادی، ۱۳۹۷).

یکی از عواملی که می‌تواند با اضطراب مرگ مرتبط باشد، احساس پیوستگی است (پوستولیس، اینا، دافینو، پترو و آزوچی، ۲۰۱۹). احساس پیوستگی به یک جهت‌گیری کلی پایدار در رابطه با درک و کنترل محیط برای داشتن یک رفتار یا عمل معنادار و مناسب اشاره دارد (لیندبلد، سندلین، پیترسون، رهانی و لنیوسیکاف، ۲۰۱۶). آنتونوسکی در حالی مفهوم احساس پیوستگی را تعریف کرد که به جای کار بر روی عواملی که باعث بیماری می‌شوند، به مدلی روی آورد که از عواملی حمایت می‌کنند که منجر به سلامت و بهزیستی انسان می‌شود (بوکس استنس، واس، شاتر، آجولد، پاتلبرگ و همکاران، ۲۰۱۶). احساس پیوستگی از نظر آنتونوسکی (۱۹۸۷) شامل سه مؤلفه است، ۱. درک پذیری: توسعه درک فرد از اینکه جهان قابل پیش‌بینی و قابل فهم است؛ ۲. توانایی مدیریت: توسعه درک فرد از دسترسی به منابع مقابله‌ای و توانایی برای دست‌کاری واقعیت‌ها؛ ۳. معناداری: توسعه‌ی اینکه فرد معانی هیجانی، چالش‌ها و علائقی در زندگی خود بیابد (الفاسی، برانت - لوینسون، کرامر و ساگی، ۲۰۱۶). پوستولیس و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای نشان داد که بین احساس پیوستگی و اضطراب مرگ در بیماران مبتلا به سرطان رابطه معکوس معناداری وجود دارد. پروچنایک (۲۰۱۴) نیز در مطالعه‌ای نشان دادند، بین احساس پیوستگی و دیدگاه کارکنان نظامی به مرگ و اضطراب مرگ رابطه وجود دارد. نتایج مطالعه قامتی و خانقانی (۱۳۹۷) نشان داد، رابطه بین احساس انسجام روانی و مؤلفه‌های آن (فهم‌پذیری، توانایی مدیریت و معنی‌داری) با اضطراب مرگ سالمندان منفی است. یزدانی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای نشان داد، احساس انسجام در پیش‌بینی اضطراب مرگ سالمندان نقش دارد.

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند با اضطراب مرگ مرتبط باشد، توانمندی ایگو است (دیویس و همکاران، ۱۹۸۳). ایگو نقش مهمی را در عملکرد روان‌شناختی ذهن بر عهده دارد. سلامت و بیماری تابعی از توانایی ایگو برای اداره مناسب فشار امیال متأثر از غرایز برای تخلیه است، به گونه‌ای که در تضاد شدید با محدودیت‌های دنیای واقعی و سوپرایگو نباشد. به این ظرفیت ایگو برای اداره تقاضاهای

1. Enette, Vogel, Fanon & Lang
- 2 Chang, Chu, Karageorghis, Wang & Tsai
3. Venes
4. Roger, Michele, Sue, Gail & Josephine
- 5 sense of coherence
6. Postolică, Enea, Dafinoiu, Petrov & Azoică
7. Lindblad, Sandelin, Petersson, Rohani & Langius-Eklöf
8. Boeckxstaens, Vaes, Sutter, Aujoulat & Rttelbergh
9. Elfassi, Braun-Lewensohn, Krumer-Nevo & Sagy
- 1 . Próchniak 0
- 1 lego strength
- 1 . Davis 2

متعارض اید، سوپرایگو و مقتضیات واقعیت بیرونی، توانمندی ایگو اطلاق می‌شود و به مقداری که ایگو نتواند یک تعادل کارکردی ایجاد کند، شخصیت درگیر بیماری خواهد شد. آسیب‌شناسی روانی نیز هم بر اساس تعارضات ایجاد شده و ناتوانی ایگو جهت برقراری تعادل بین سطوح شخصیت قابل فهم است و هم از راه فهم شیوه‌ای که فرد تعارض را کنترل می‌کند، یعنی از راه مکانیزم‌های دفاعی ایگو درک می‌شود (جمیل، عاطف وحید، دهقانی و حبیبی، ۱۳۹۴) از آنجایی که ایگو وظیفه مدیریت سیستم روانی را بر عهده دارد تمام مشکلات روانی، زمانی ظاهر می‌شوند که ایگو نتواند به مسئولیت‌هایش عمل کند. در مجموع اینکه توانایی ما برای کنار آمدن با زندگی، یعنی تعادل روانی ما، به توانایی و قدرت ایگو در جهت غلبه بر فشارهای گوناگونی که بر آن وارد می‌شود، بستگی دارد (پرویز، آقامحمدیان، قنبری هاشم ابادی و دهقانی، ۱۳۹۵).

با بالا رفتن توانمندی ایگو، فرد می‌تواند از مهارت‌ها و توانایی‌های طبیعی‌اش برای تأثیر نپذیرفتن از نیروهای ناراحت‌کننده استفاده کند. وقتی این کار به درستی انجام شود، قدرت تحمل بالا می‌رود. «تحمل» یک توانایی تکاملی است که نجات یافتن از شرایط سخت و بهبودی پس از آن را تسهیل می‌کند. همچنین هنگامی که افراد به طور مناسبی از منابع درونی‌شان برای مقاومت در برابر تعارضات بیرونی یا درونی استفاده می‌کنند، از درون قوی‌تر می‌شوند (بنارد، ۲۰۰۴، به نقل از فیاض، ۱۳۹۳). دیویس^۱ و همکاران (۱۹۸۳) نیز نشان دادند که عدم توانمندی ایگو باعث پایین آمدن عزت نفس می‌شود و هردوی این‌ها با اضطراب مرگ در ارتباط هستند.

با توجه به اینکه یکی از چالش‌های فراروی سالمندان، نگرانی‌های مرتبط با مرگ و اضطراب مرگ است و این متغیر نقش مهمی در عملکرد روزانه این افراد دارد، بسیار مهم است که پیش‌بینی‌کننده‌ها، همبسته‌ها و عوامل مؤثر بر اضطراب مرگ در سالمندان شناسایی شود. نتایج چنین پژوهش‌هایی می‌تواند در زمینه خدمات مشاوره‌ای برای سالمندان نیز می‌تواند سودمند باشد. با عنایت به آنچه گفته شد و در نظر گرفتن این مسئله که تاکنون پژوهش‌های اندکی به بررسی رابطه احساس پیوستگی با اضطراب مرگ در سالمندان پرداخته و در زمینه رابطه توانمندی ایگو با اضطراب مرگ سالمندان پژوهشی در داخل کشور انجام نشده است، انجام پژوهش حاضر می‌تواند گامی در جهت رفع این کاستی و خلاء پژوهشی بردارد و انجام پژوهش حاضر در فرایند تولید دانش انتخاب مناسبی به نظر می‌رسد؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه احساس پیوستگی و توانمندی ایگو با اضطراب مرگ سالمندان انجام شد.

روش

این پژوهش با توجه به هدف، کاربردی و شیوه اجرا توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه سالمندان غیر ساکن خانه سالمندان دارای سن بالای ۶۰ سال در شهر تهران در سال ۱۳۹۸ است. از آنجایی که تعداد جامعه آماری مورد نظر و لیست کامل آنها قابل دسترس نیست و همچنین به دلیل وجود محدودیت‌های مختلف در دسترسی به کلیه این افراد، امکان استفاده از نمونه‌گیری تصادفی وجود نداشت؛ بنابراین به منظور انتخاب نمونه نهایی از شیوه نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد؛ مطابق با پیشنهاد لیندمن، مرندا و گلد (۱۹۸۰، به نقل از هومن، ۱۳۸۵) حجم گروه نمونه در مطالعات رگرسیون و همبستگی دست‌کم باید ۱۰۰ نفر باشد. در مطالعه حاضر جهت افزایش اعتبار بیرونی تحقیق و کاهش عوامل مزاحم، حجم نمونه وسیع‌تر در نظر گرفته شد؛ بنابراین تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان گروه نمونه از سالمندانی که در بهار ۱۳۹۸ در پارک‌های منطقه ۵ و ۶ تهران حضور داشتند و مایل به همکاری بودند، انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به مطالعه عبارت از داشتن سن بیشتر از شصت سال، داشتن سواد خواندن و نوشتن جهت تکمیل پرسشنامه‌ها و رضایت وی برای شرکت در مطالعه شدند. ملاک خروج شامل تمایل نداشتن شرکت‌کننده‌ها به ادامه همکاری در هر مرحله از پژوهش بود.

ابزار سنجش

پرسشنامه اضطراب مرگ تمپلر^۲ (۱۹۷۰): این پرسشنامه توسط تمپلر (۱۹۷۰) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۱۵ گویه صحیح-غلط است که نگرش آزمودنی نسبت به مرگ را مورد پرسش قرار می‌دهد. پرسشنامه اضطراب مرگ تمپلر توسط رجیبی و بحرانی (۱۳۸۰) به فارسی ترجمه شد. در این پرسشنامه پاسخ بله نشانه وجود عامل اضطراب‌زا در فرد است؛ بنابراین نمرات این مقیاس می‌تواند بین ۰ تا ۱۵ متغیر باشد که نمره بالا نشانگر اضطراب مرگ در افراد است (رجیبی و بحرانی، ۱۳۸۰). کلی و کوریویو^۴ (۱۹۹۵) اعتبار

- 1 Benard
2. Davis
3. Templer
4. Kelly &Corriveau

The relationship between sense of coherence and ego strength with death anxiety in elderly

بازآزمایی مقیاس اضطراب مرگ را ۰/۸۵ و ضریب همسانی درونی آن را ۰/۷۳ گزارش کرده‌اند (به نقل از علی اکبری دهکردی، اورکی و برقی ایرانی، ۱۳۹۰). نتایج حاصل از تحلیل عاملی پرسشنامه اضطراب مرگ تمپلر توسط رجبی و بحرانی (۱۳۸۰) ضریب اعتبار تصنیف مقیاس اضطراب مرگ را ۰/۶۲ و ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه معادل ۰/۷۳ گزارش شده است. در پژوهش رفیعی اردستانی (۱۳۹۱) پایایی این ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ برابر ۰/۶۲۵ به دست آمد که نشان از پیوستگی درونی نسبی این مقیاس است. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۰ به دست آمد.

پرسشنامه توانمندی ایگو ماکستروم^۱ و همکاران (۱۹۹۷): این پرسشنامه توسط ماکستروم و همکاران (۱۹۹۷) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۶۴ گویه و ۱۰ زیرمقیاس شامل امید، خواسته، هدف، شایستگی، وفاداری، عشق، مراقبت و خرد است. عبارات پرسشنامه بر روی یک مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت به صورت کاملاً با من مطابق است نمره ۵، کمی با من مطابق است نمره ۴، نظری ندارم نمره ۳، کمی با من مطابق نیست نمره ۲ و اصلاً با من مطابق نیست نمره ۱ نمره‌گذاری شده است. شیوه پاسخ‌دهی سؤالات معکوس به صورت برعکس انجام می‌شود. بالاترین نمره‌ای که فرد می‌تواند اخذ نماید ۳۰۰ و پایین‌ترین نمره ۶۰ است. نمره بالا در این آزمون به معنی سطح بالای قدرت ایگو است. نمره فرد در این پرسشنامه از حاصل جمع نمره فرد در سؤالات به دست می‌آید. روایی صوری و محتوا و سازه پرسشنامه قدرت ایگو را مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۶۸ گزارش شده است. پایایی سیاهه بر روی نمونه ایرانی برابر ۰/۹۱ و پایایی دونیمه سازی آن برابر ۰/۷۷ گزارش شده است (پرویز و همکاران، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۶ به دست آمد.

پرسشنامه احساس پیوستگی آنتونوسکی^۲ (۱۹۸۷): پرسشنامه احساس پیوستگی توسط آنتونوسکی (۱۹۸۷) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۲۹ گویه است. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت است و هر گویه هفت گزینه دارد که از یک تا هفت درجه بندی شده‌اند. ۱۳ سؤالی که در فرم ۲۹ سؤالی برعکس نمره‌گذاری می‌شوند عبارتند از: ۱، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۲۷؛ یعنی ۱=۷، ۲=۶ و الی آخر. تکمیل‌کننده‌ی آزمون حس پیوستگی، میزان توافق خود با هر سؤال را از طریق مشخص کردن یکی از هفت درجه تعیین شده تأیید می‌کند. ضمن آنکه باید متذکر شد هر شماره یا درجه‌ی انتخاب شده توسط تکمیل‌کننده، نمره‌ی همان سؤال محسوب می‌شود. در این پرسشنامه، حداقل و حداکثر نمره قابل اخذ برای مشارکت‌کننده بین ۲۹ تا ۲۰۳ است. در ۲۶ مطالعه با استفاده از آزمون ۲۹ سؤالی، اندازه‌ی آلفای کرونباخ به دست آمده برای ثبات درونی، از ۰/۸۲ الی ۰/۹۵ را شامل می‌شد. همبستگی به دست آمده از آزمون - باز آزمون، ثبات قابل توجه ۰/۵۴ در فاصله‌ی دو سال را نشان می‌داد (آنتونوسکی، ۱۹۹۶). در پژوهش علی پور و شریف (۱۳۹۱) پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۶۸ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۰ به دست آمد. در نهایت بعد از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌های حاصل با روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری تحلیل شد.

یافته‌ها

از مجموع ۲۰۰ شرکت‌کننده در پژوهش، توزیع جنسیت به ترتیب ۱۱۱ نفر زن (۵۵/۵) درصد و ۸۹ نفر مرد (۴۴/۵) درصد است. ۴۲ نفر (۲۱) درصد بین ۶۰ تا ۶۵ سال، ۴۰ نفر (۲۰) درصد بین ۶۶ تا ۷۰ سال، ۱۰۷ نفر (۵۳) درصد بین ۷۱ تا ۷۵ سال و ۱۱ نفر (۵/۵) درصد بین ۷۶ تا ۸۰ سال سن داشتند. در جدول (۱) شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی
اضطراب مرگ	۱۰/۲۲	۳/۱۹	-۰/۴۳	۰/۳۸
توانمندی ایگو	۷۹/۴۶	۳/۴۱	۰/۹۸	۰/۶۵
احساس پیوستگی	۴۳/۶۹	۴/۷۶	-۰/۰۸	-۰/۹۱

در جدول (۱) شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار، کشیدگی و چولگی) متغیرهای پژوهش ارائه شده است. با توجه به این که مقادیر چولگی و کشیدگی که در بازه (۱، -۱) قرار دارد، می‌توان گفت که توزیع نمرات متغیرهای پژوهش در نمونه‌ی مورد مطالعه از شکل نرمال برخوردارند.

جدول ۲- ضریب همبستگی بین احساس پیوستگی و توانمندی ایگو با اضطراب مرگ سالمندان

ردیف	متغیر	اضطراب مرگ	سطح معناداری
۱	توانمندی ایگو	-۰/۲۲	۰/۰۰۱
۳	احساس پیوستگی	-۰/۱۸	۰/۰۰۸

برای سنجش رابطه بین احساس پیوستگی و توانمندی ایگو با اضطراب مرگ از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد توانمندی ایگو ($P < 0/01$, $r = -0/22$) و احساس پیوستگی ($P < 0/01$, $r = -0/18$) با اضطراب مرگ رابطه منفی و معناداری دارند.

در تحلیل رگرسیون «اضطراب مرگ» به عنوان متغیر ملاک و «توانمندی ایگو» و «احساس پیوستگی» به عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد رگرسیون شدند.

جدول ۳- نتایج مدل رگرسیون و تحلیل واریانس پیش‌بینی اضطراب مرگ بر اساس احساس پیوستگی و توانمندی ایگو

متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	F	P	β	T	P
توانمندی ایگو	۰/۲۶	۰/۰۷	۷/۷۰	۰/۰۰۱	-۰/۱۹	-۲/۸۰	۰/۰۰۵
احساس پیوستگی					-۰/۱۵	-۲/۱۷	۰/۰۳۱

همان‌طور که نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد، رگرسیون پیش‌بینی اضطراب مرگ بر اساس احساس پیوستگی و توانمندی ایگو معنی‌دار است ($P < 0/01$ و $F = 7/70$). توانمندی ایگو با ضریب بتای $-0/19$ و احساس پیوستگی با ضریب بتای $-0/15$ به‌طور منفی و معناداری اضطراب مرگ را پیش‌بینی می‌کنند. مقدار R^2 نشان می‌دهد ۷٪ از واریانس اضطراب مرگ توسط متغیرهای یادشده تبیین می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه احساس پیوستگی و توانمندی ایگو با اضطراب مرگ سالمندان انجام شد. نتایج نشان داد، بین احساس پیوستگی اضطراب مرگ سالمندان رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. این یافته همسو با پژوهش‌های پوستولیس و همکاران (۲۰۱۹)، پروچنایک و همکاران (۲۰۱۴)، قامتی و خانقانی (۱۳۹۷) و یزدانی (۱۳۹۸) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، از نظر اریکسون، آخرین بحران روانی اجتماعی که در سنین سالمندی اتفاق می‌افتد، احساس انسجام یا پیوستگی در مقابل نومیدی است که با شیوه رویارویی فرد با پایان زندگی سروکار دارد. دوران پیری از نظر اریکسون، دوره بازنگری و تأمل است، دورانی که شخص طی آن رویدادهای سراسری زندگی خود را از نظر می‌گذراند (سلم آبادی، رجبی و صف آراء، ۱۳۹۷). با توجه به اینکه رویدادهای ناخوشایندی مانند مرگ بخش اجتناب‌ناپذیری از زندگی هستند، آنتونوسکی عنوان می‌کند که احساس پیوستگی فرد به وی کمک می‌کند تا تعیین کند که آیا رویداد ناگوار خنثی، مفید یا مضر است. به عبارتی احساس پیوستگی ترکیبی از خوش‌بینی و کنترل است و منبعی درونی است که به افراد در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا کمک می‌کند (فضلعلی، ۱۳۹۱). احساس پیوستگی بالا تمایل به کنترل بهتر و مؤثرتر استرس را افزایش می‌دهد (آقایوسفی و شریف، ۱۳۸۹). بر همین اساس حس پیوستگی با تعدیل اثرات فشارها و استرس‌ها و ایجاد اعتمادبه‌نفس باثبات در فرد سالمند، موجب اعتماد شخص به توانایی برای مقابله با شرایط مختلف شده و حس استقلال و خود پیروی را افزایش داده و باعث ارتقای رفتارهای مربوط به تندرستی و بهبود عملکرد می‌شود و اضطراب مرگ را کاهش می‌دهد (خنجری، اوسکویی، موسوی پور و حقانی، ۱۳۹۶). حس انسجام توجه رو به تزایدی را به عنوان یک مدل مرتبط با سلامتی به خود جلب کرده است. کاربردهای پژوهشی و بالینی قابل توجه حس انسجام، پژوهش در مورد ویژگی‌های آن در سلامت افراد بخصوص سالمندان را ضروری می‌سازد (علی پور و شریف، ۱۳۹۶).

The relationship between sense of coherence and ego strength with death anxiety in elderly

نتایج به دست آمده، بین توانمندی ایگو با اضطراب مرگ سالمندان رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. این یافته همسو با پژوهش دیویس و همکاران (۱۹۸۳) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، افرادی که توانمندی ایگوی بالایی دارند، در مواجهه با چالش‌های مختلف تاب‌آوری بالایی را از خود نشان می‌دهند، اما افرادی که توانمندی ایگوی پایین دارند، در تحمل اضطراب از خود ضعف نشان می‌دهند (بلانک و بلانک، ۲۰۰۴). راهبردهای مقابله کارآمد از دیگر مؤلفه‌های سازنده توانمندی ایگوی محسوب می‌شوند (بشارت، ۱۳۹۵). بر اساس نظریه لازاروس و فلکمن (۱۹۸۴)، راهبردهای مقابله مجموعه‌ای از پاسخ‌های رفتاری و شناختی برای به حداقل رساندن فشار موقعیت‌های استرس‌زا هستند. شیوه پاسخ‌دهی به فرد کمک می‌کنند که در مقابله با مشکلات روزمره برحسب مقتضیات و شرایط استرس‌زا، از راهبرد مقابله کارآمد مثل راهبردهای حل مسئله و راهبردهای هیجان محور مثبت استفاده کند. این دسته از راهبردها می‌توانند هیجان‌های آشفته ساز را مدیریت کنند و مانع شکل‌گیری نشانه‌های اضطراب شوند. در مقابل، افرادی که راهبردهای مقابله با استرس ناکارآمد استفاده می‌کنند، به جای پردازش و مدیریت هیجان‌های خود و تمرکز بر حل مشکل، به افزایش نگرانی، ترس و هیجان‌های منفی خود کمک می‌کنند و زمینه تشدید نشانه‌های اضطرابی را فراهم می‌سازند (بشارت، اسدی و غلامعلی لواسانی، ۱۳۹۵). از طرفی توانمندی ایگو به فرد کمک می‌کند تا در شرایط استرس‌زا و درمانده ساز، ثبات و پایداری هیجانی خود را حفظ کند. برعکس، اگر ایگو از توانمندی کافی برخوردار نباشد، فرد در کشاکش مطالبات و تعارض‌ها گرفتار می‌شود (ویتر، تنن و سولس، ۲۰۱۲)؛ بنابراین ضعف در شاخص‌های اصلی آسیب‌شناسی روانی در رویکردهای روان پویایی محسوب می‌شود (ویتر، تنن و سولس، ۲۰۱۲)؛ بنابراین ضعف در توانمندی ایگو، با استفاده از راهبردهای هیجان مدار و آشفته‌گی هیجانی همراه است که باعث بروز اضطراب مرگ می‌شود.

در نهایت با توجه به نتایج مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که احساس پیوستگی و توانمندی ایگو در زمره متغیرهای مرتبط با اضطراب مرگ سالمندان بوده و توانایی پیش‌بینی آن را دارند. بنابراین پیشنهاد می‌شود سالمندان تحت مداخلات و آموزش‌هایی در جهت افزایش احساس پیوستگی و توانمندی ایگو که در کاهش اضطراب مرگ در آنها موثر است، قرار گیرند. نتایج پژوهش حاضر را می‌توان در بهبود اضطراب مرگ سالمندان به کار بست. پژوهش حاضر محدودیت‌های خاصی داشته است که ممکن است بر نتایج به دست آمده تأثیر داشته باشند یا بعضی نتیجه‌گیری‌ها را از نتایج با ابهام روبرو کنند. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری هدفمند و غیر تصادفی استفاده شده است. به همین دلیل در تعمیم نتایج این پژوهش به کل جامعه باید احتیاط شود. نگرش آزمودنی‌ها به آزمون‌های مورد استفاده، میزان همکاری آن‌ها با پژوهشگر و میزان صداقت و علاقه آن‌ها در پاسخ‌گویی به سؤالات آزمون‌ها از مواردی است که تقریباً از اراده و کنترل پژوهشگر خارج است و می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، حجم نمونه بالاتری به روش‌های نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شوند و علاوه بر پرسشنامه‌های خودگزارشی، از مصاحبه بالینی نیز استفاده گردد.

منابع

- آقایوسفی، علیرضا، شریف، نسیم. (۱۳۸۹). بررسی همبستگی بین بهزیستی روانی و حس انسجام در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. *مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی*، ۱۵ (۹)، ۲۷۳-۲۷۹.
- بشارت، محمد علی. (۱۳۹۵). ساخت و درستی آزمایی مقیاس استحکام من: یک مطالعه مقدماتی. *مجله علوم روانشناختی*، ۶۰ (۶)، ۴۴۵-۴۶۷.
- بشارت، محمدعلی، اسدی، محمد مهدی، غلامعلی لواسانی، مسعود. (۱۳۹۵). نقش واسطه‌ای استحکام من در رابطه بین ابعاد کمال‌گرایی و نشانه‌های اضطراب. *پژوهش نامه روانشناسی مثبت*، ۴ (۲)، ۱۸-۱.
- پرویز، کورش، آقامحمدیان، حمیدرضا، قنبری هاشم‌آبادی، بهرامعلی، دهقانی، محمود. (۱۳۹۵). رابطه توانمندی ایگو و فراشناخت در دانشجویان دختر و پسر. *دوماهنامه علمی-پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۹ (۲)، ۱۱۸-۱۲۶.
- جمیل، لیلی، عاطف وحید، محمد کاظم، دهقانی، محمود، حبیبی، مجتبی. (۱۳۹۴). سلامت روان از دیدگاه روان‌پوشی: رابطه توانمندی ایگو، سبک‌های دفاعی و روابط ایژه با سلامت. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۲۱ (۲)، ۱۵۴-۱۴۴.
- خنجری، صدیقه، موسوی پور، سیده سمیه، اسکویی، فاطمه، حقانی، حمید. (۱۳۹۶). مقایسه کیفیت زندگی و حس انسجام در مادران دارای نوزاد نارس و ترم. *نشریه پرستاری ایران*، ۳۰ (۱۰۶)، ۶۷-۵۷.
- رجبی، غلامرضا، بحرانی، محمود. (۱۳۸۰). تحلیل عاملی سؤال‌های مقیاس اضطراب مرگ. *مجله روان‌شناسی*، ۵ (۴)، ۳۴۴-۳۳۱.

- رفیعی اردستانی، مانی. (۱۳۹۱). اثر بخشی معنادرمانی بر اضطراب مرگ و کیفیت زندگی بیماران سرطانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- سلم آبادی، مجتبی، رجیبی، محمد جواد، صف آراء، مریم. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مرور زندگی بر رضایت از زندگی و احساس انسجام زنان میانسال و سالمند مقیم خانه سالمندان شهر قزوین. *سالمند: مجله سالمندی ایران*. ۱۳ (۲)، ۲۰۹-۱۹۸.
- شهبازی، مریم، گلزاری، محمود، برجعلی، احمد. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش سبک زندگی سالم بر مبنای مدل بهداشت جهانی بر اضطراب مرگ سالمندان شهر ایلام. *دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار*. ۲ (۱)، ۳۱۶-۳۰۸.
- صدری دمیرچی، اسماعیل، قمی، میلاد، اسماعیلی قاضی ولوئی، فریبا. (۱۳۹۶). اثربخشی درمان گروهی مرور زندگی بر بهزیستی روانشناختی و امید به زندگی زنان سالمند. *مجله سالمند*. ۱۲ (۳)، ۳۱۵-۳۲۵.
- علی اکبری دهکردی، مهناز، اورکی، محمد، برقی ایرانی، زیبا. (۱۳۹۰). بررسی جهت گیری مذهبی با اضطراب مرگ و از خودبیگانگی سالمندان استان تهران. *پژوهشنامه‌ی روانشناسی اجتماعی*. ۲ (۲)، ۱۵۹-۱۴۰.
- علی پور، احمد، شریف، نسیم. (۱۳۹۱). بررسی روایی و پایایی پرسشنامه حس انسجام در دانشجویان. *مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (پژوهنده)*. ۱۷ (۱)، ۵۰-۶۵.
- علی پور، احمد، شریف، نسیم. (۱۳۹۱). بررسی روایی و پایایی پرسشنامه حس انسجام در دانشجویان. *پژوهنده*. ۱۷ (۱)، ۵۶-۵۰.
- فضلعلی، نجمه. (۱۳۹۱). نقش میانجی گری احساس انسجام روانی در رابطه ی ابعاد فرزند پروری ادراک شده با اهمال کاری و انگیزش تحصیلی دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی.
- فیاض، ریحانه. (۱۳۹۳). نقش تعدیل کننده درونگرایی و برونگرایی در رابطه بین سبک های فرزند پروری والدین و استحکام من فرزندان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- قامتی، مریم، خانقایی، راشین. (۱۳۹۷). رابطه احساس انسجام روانی با اضطراب مرگ سالمندان شهر گناباد، ششمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران، تهران.
- مجیدی عارف، مرادی، امید. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر میزان اضطراب مرگ در سالمندان. *سالمند: مجله سالمندی ایران*. ۱۳ (۱)، ۱۲۳-۱۱۰.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۵) راهنمای عملی پژوهش کیفی، سمت، تهران.
- یزدانی، صفورا. (۱۳۹۸). اضطراب مرگ بر اساس حس انسجام و باور به جهان عادل، چهارمین کنفرانس بین المللی دستاورد های نوین پژوهشی در علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روانشناسی، اصفهان.
- Antonovsky, A. (1996). The salutogenic model as a Theory to guide health promotion. *Health promotion International*. 11(1), 11-18.
- Blanck, G., & Blanck, R. (1994). *Ego psychology: Theory and practice*. Columbia University Press.
- Boeckstaens, P., Vaes, B., Sutter, A., Aujoulat, I., Pottelbergh, G. v., Mathei, C., Degryse JM (2016). A High Sense of Coherence as Protection Against Adverse Health Outcomes in Patients Aged 80 Years and Older. *Annals of Family Medicine*, 14(4), 337-343.
- Chang, E. C. H., Chu, C. H., Karageorghis, C. I., Wang, C. C., Tsai, J. H. C., Wang, Y. S., & Chang, Y. K. (2017). Relationship between mode of sport training and general cognitive performance. *Journal of Sport and Health Science*, 6(1), 89-95.
- Davis, S. F., Bremer, S. A., Anderson, B. J., & Trammil, J. L. (1983). The interrelationships of ego strength, self-esteem, death anxiety, and gender in undergraduate college students. *The Journal of General Psychology*, 108(1), 55-59.
- Elfassi, Y., Braun-Lewensohn, O., Krumer-Nevo, M., & Sagy, S. (2016). community sense of coherence among adolescents as related to their involvement in risk behaviors. *Journal of Community Psychology*, 44(1), 22-37.
- Enette, L., Vogel, T., Fanon, J. L., & Lang, P. O. (2017). Effect of interval and continuous aerobic training on basal serum and plasma brain-derived neurotrophic factor values in seniors: a systematic review of intervention studies. *Rejuvenation research*, 20(6), 473-483.
- Gold, S. N. (1980). Relations between level of ego development and adjustment pattern in adolescents. *Journal of Personality Assessment*, 44(6), 630-638.
- Lindblad, C., Sandelin, K., Petersson, L. M., Rohani, C., & Langius-Eklöf, A. (2016). Stability of the 03-item sense of coherence (SOC) scale: a longitudinal prospective study in women treated for breast cancer. *Quality of Life Research*, 25(3), 753-761.
- Markstrom, C. A., Sabino, V. M., Turner, B. J., & Berman, R. C. (1997). The psychosocial inventory of ego strengths: Development and validation of a new Eriksonian measure. *Journal of youth and adolescence*, 26(6), 705-732.
- Postolică, R., Enea, V., Dafinoiu, I., Petrov, I., & Azoiică, D. (2019). Association of sense of coherence and supernatural beliefs with death anxiety and death depression among Romanian cancer patients. *Death studies*, 43(1), 9-19.
- Próchniak, P. (2014). Personality, Preferred Values, Sense of Coherence and Attitude towards Death among Policemen - Antiterrorists. *International Journal of Applied Psychology*, 4(1), 31-37.

The relationship between sense of coherence and ego strength with death anxiety in elderly

- Roger J. S, Michele, Y. W, Sue, R., Gail, J., & Josephine, M. C. (2016). Knowing, planning for and fearing death: Do adults with intellectual disability and disability staff differ? *Journal of Research in Developmental Disabilities*, 49(12), 47–59.
- Venes, D. (2017). *Taber's cyclopedic medical dictionary*. FA Davis.
- Weiner, I. B., Tennen, H. A., & Suls, J. M. (2012). *Handbook of Psychology, Personality and Social Psychology (Volume5)*. New Jersey: Wiley.
- Zhang, Y., Chen, Y., & Ma, L. (2018). Depression and cardiovascular disease in elderly: current understanding. *Journal of Clinical Neuroscience*, 47(2), 1-5.

